

لؤلؤ و مرجان

(فرهنگ لغت تحلیلی قرآن کریم)

نویسنده:

امین سپیدنامه

لؤلؤ و مرجان

فرهنگ لغت تحلیلی قرآن کریم

ناشر: امّ ابیها

نویسنده: امین سپیدنامه

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۹ ■ شمارگان: ۵۰۰ جلد ■
قطع و صفحه: پالتویی / ۱۵۶ صفحه ■ قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال
شابک: ۰-۷۶-۶۸۶۲-۹۶۴-۹۷۸

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

تلفن مرکز پخش: ۰۹۳۳۹۲۳۶۹۷۵

سرشناسه: سپیدنامه، امین، ۱۳۶۴ -

عنوان و نام پدیدآور: لؤلؤ و مرجان: (فرهنگ لغت تحلیلی قرآن کریم) / مؤلف
امین سپیدنامه

مشخصات نشر: قم: ام ابیها، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۱۵۶ ص. مصور (رنگی) (پالتویی)

بهاء: ۳۵۰۰۰۰ ریال شابک: ۰-۷۶-۶۸۶۲-۹۶۴-۹۷۸ ISBN

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان دیگر: فرهنگ لغت تحلیلی قرآن کریم

یادداشت: کتابنامه

موضوع: قرآن - واژه نامه ها - فارسی

موضوع: قرآن - مسائل لغوی.

موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۹۹ ۲ ل ۹ س / BP ۶۸

رده بندی دیویی: ۱۳ / ۲۹۷

شماره مدرک: ۶۱۷۵۱۷۶

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۳.....	اَب (اَب)
۱۳.....	أَبَق
۱۴.....	أَب
۱۸.....	إِبَاء
۱۹.....	أَث
۲۰.....	أَثَر
۲۵.....	أَثَل
۲۸.....	إِثْم
۳۲.....	اَجَج
۳۴.....	أَجَر
۳۷.....	أَجَل
۴۱.....	أَدَد
۴۳.....	ء ادم
۴۷.....	أَخَذ
۴۸.....	أَدَاء
۵۰.....	اَذَن
۵۳.....	أَذَى
۵۵.....	إِرْب
۶۰.....	أَرَك
۶۱.....	أَزَر
۶۵.....	أَزَز
۷۰.....	أَزَف
۷۳.....	أَسْر

٧٨.....	أسف
٨١.....	أسو
٨٤.....	أصر
٨٧.....	أصل
٩٢.....	إفك
٩٧.....	إل
٩٨.....	ألو
١٠٠.....	أمت
١٠١.....	أمد
١٠٤.....	أمر
١٠٧.....	أمم
١١٥.....	أمن، أمانة
١٢٢.....	أمو/أمة
١٢٢.....	أنس
١٢٦.....	أنف
١٣١.....	أنم
١٣١.....	أنى
١٣٢.....	أنى (أنا)
١٣٧.....	أهل
١٤٢.....	أوب
١٤٦.....	اوه
١٥٠.....	أيك
١٥١.....	أوى
١٥٢.....	أى: آيه - آيات
١٥٤.....	أيد
١٥٦.....	مأخذ

مقدمه

هر متکلمی برای انتقال معانی ذهنی خود به دیگران ناگزیر لفظی مناسب را برمی‌گزیند و از کنار هم قرار دادن آن الفاظ مقصود خود را به مخاطبین انتقال می‌دهد و مخاطب نیز با شنیدن آن لفظ معنای مورد نظر را از قالب لفظ خارج کرده و مقصود متکلم را متوجه می‌شود. البته شرط اصلی در این فهم، عالم بودن مخاطب به زبان و نحوه‌ی گویش متکلم است که اگر این شرط محقق نشود مخاطب فقط الفاظی فاقد معنا را می‌شنود. پس متکلم از طریق زبان شناسی و علم به گویش مخاطب، در درون مخاطب نفوذ می‌کند. به عبارت دیگر هنگامی که متکلم به زبان ناآشنایی به ما می‌گوید: من غمگین و یا شاد هستم و یا برخی از خاطرات خود را برای ما بازگو می‌نماید، ما به عنوان مخاطب فقط صوتی فاقد معنا از او می‌شنویم پس نمی‌دانیم در باطن متکلم چه می‌گذرد. لذا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «المرء مخبوء تحت لسانه»^۱ یعنی مرد (انسان) پشت زبانش پنهان شده است.

در عدم فهم کلمات متکلم، بین گنگ بودن و مجهول بودن نحوه‌ی گویش شخص، تفاوتی نیست. یعنی چه شخصی گنگ باشد، چه در حال سکوت باشد و چه لغاتی که برای مخاطبش مجهول است

به کار ببرد. در تمام این حالات مخاطب نمی تواند درون متکلم نفوذ کرده و غم، شادی و یا خاطرات او را بفهمد، اما هنگامی که سکوت را می شکند و در مقام تکلم قرار می گیرد، از لغاتی که برای مخاطب آشناست استفاده می کند. مخاطب نیز از طریق شنیدن الفاظ به قوهی خیال متکلم دسترسی یافته و از طریق صور خیالی به آن چه در باطن و قلب متکلم قرار دارد پی می برد و می فهمد که غم در باطن متکلم حاکم شده است یا شادی. هم چنین پی می برد که متکلم انسانی جاهل است یا عالم، صالح است یا طالح. به همین علت قضاوت ها بعد از تکلم ایجاد می شوند. با دیدن پیکر جسمانی نمی توان در مورد شخصیت افراد قضاوت کرد، چون شخصیت افراد از حواس ظاهری مستور است. ولی هنگامی که انسان تکلم می کند، گویا بابتی می گشاید و اجازه می دهد مخاطب وارد باطنش شده و از سرائر وجودی اش مطلع گردد، به همین علت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «الألسن تترجم عما تجتّه الضمائر»؛ زبان ها آن چه را در نهان انسان است بیان و روشن می نمایند. طبق این توضیح می توان گفت که الفاظ قالب هایی برای معانی هستند، «الالفاظ قوالب المعانی»^۱ با قرار دادن این حدیث در کنار بیان دیگری از امام علی علیه السلام که فرمودند: «فضل الرجل من قوله» یعنی برتری مرد به گفتارش است، مشخص می شود که باطن

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۶۵.

۲. امام علی علیه السلام؛ موسوعه القواعد الفقہیہ، قسم اول،

متکلم در قالب الفاظ در عالم ماده تجلی می‌کند و به همین علت است که با شنیدن الفاظ و سخنان افراد می‌توانیم در مورد آن‌ها قضاوت کنیم.

اگر با شنیدن الفاظ فقط معانی جزئی که هیچ ارتباطی با متکلم ندارند فهمیده می‌شد احادیث مذکور ناتمام بودند، در حالی که این احادیث از لسان گهربار ولی الله اعظم صادر شده است. پس طبق این احادیث می‌گوییم الفاظ و کلماتی که متکلم بیان می‌کند در حقیقت، باطن خودش هستند که در قالب الفاظ در فضا پخش شده و هر مستمعی به میزان ادراک خود به باطن متکلم نفوذ کرده و حقایقی را می‌فهمد. پس کلمات پلی هستند به سوی باطن متکلم و از طریق کلام هر شخصی می‌توان به شخصیت پنهان او پی برد. اگر متکلم انسانی عامی و جاهل باشد مخاطب از کلمات او به حقایق چشم‌گیری نائل نمی‌شود، چون انسان عامی که اهل عقل و خرد نیست هنگام به کار بردن الفاظ، جزم‌معنایی ساده که مورد شناخت همه‌ی افراد جامعه است مقصود دیگری ندارد. دلیل این مطلب عدم سعه‌ی وجودی چنین متکلمی است. پس به میزان وسعت وجودی متکلم، از طریق الفاظ او می‌توان به حقایق بالاتری که در باطنش است نائل شد. اگر متکلم حضرت حق (سبحانه) باشد مخاطب می‌تواند از طریق کلامش در تجلیات الهیه غواصی کرده و به اندازه‌ی سعه‌ی وجودی خودش از حقایق عالی بهره‌مند شود. پس کلام خداوند تعالی پلی است برای ورود مستمع به عوالم غیبی وجود، که به منزله‌ی باطن خداوند تعالی هستند. ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ

وَالْبَاطِنُ»^۱. حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لقد تجلّی الله لخلقه فی کلامه و لكنهم لا یبصرون»^۲؛ خداوند در کلام خودش بر خلقش تجلّی کرده است ولی آنان نمی‌بینند. کلام الهی باطن اوست که در کسوت الفاظ تجلّی کرده، پس برای راهیابی به باطن عالم (باطن کلام الله) باید الفاظ را نیک شناخت و با تفکّر و طهارت قلب از قشر ظاهری عبور کرده و به تجلّی مستور در آن الفاظ نائل شده و در کلمات خداوند سفرها کرد. اولین قدم در سفرهای قرآنی این است که کلمات را شناسایی کنیم زیرا اگر کلمات را برخلاف معانی خاصشان در نظر بگیریم مطمئناً از ورود به حریم باطنی متکلم محروم خواهیم شد، چون ذهن مخاطب از کلام خداوند تعالی به معنایی منتقل می‌شود که مراد او نبوده است، پس حرکت باطنی مخاطب به سمت وهم و پندار خودش بوده و از طریق پل الفاظ به لقاء الله نائل نخواهد شد.

طبق این توضیحات و با توجه به این که خداوند وجود نامتناهی خود را در کسوت الفاظ متجلّی نموده لازم است ابتدا معانی ظاهری الفاظ را فهمیده و به تدریج به معانی بالاتری دست یابیم. یکی از ابزارهای مفید و لازم در فهم کلام الله تعالی، فرهنگ‌های لغت می‌باشد که در دسترس عموم مردم قرار دارد و می‌توان از طریق فرهنگ لغات مختلف به معانی الفاظ پی برد، ولی باید دانست که برخی از آن‌ها چون در سده‌های اخیر نگاشته شده اند از گزند اختلاط زبان‌های مختلف مصون نمانده لذا قابل اعتماد نیستند و

۱. حدید، ۳. او اول و آخر و ظاهر و باطن است.

۲. بحار الانوار، ج ۹۵.

نمی‌توان آن‌ها را برای معانی واژه‌ها به عنوان مرجع برگزید. با استناد به این فرهنگ لغات است که افراد مختلفی که با قرآن آشنا می‌شوند معانی غلطی را از آیات قرآن می‌فهمند. به عنوان مثال هنگام رجوع به ترجمه‌های قرآن می‌بینیم واژه‌هایی مانند ذنب، اثم، خطیئه و سیئه به معنای گناه استعمال شده در حالی که گناه معنای دور این الفاظ است و اگر با چنین دیدی قرآن را تلاوت کنیم از فهم مقصود خداوند تعالی دور شده و به تبع، آیاتی که ما را از ذنب و اثم پرهیز می‌دهند برایمان بازدارنده نخواهند بود. در حالی که وقتی از گناه به عنوان ذنب یاد می‌شود باید ابتدا به سراغ فرهنگ‌های اصیل لغوی رفته و معنای دقیق آن را دریابیم تا پی به پیام الهی ببریم. ذنب به معنای دم و دنباله است لذا وقتی در قرآن می‌فرماید: ﴿فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ﴾^۱ به این معنا نیست که تمام آن‌ها را به وسیله‌ی گناهانشان مورد عذاب قرار دادیم، بلکه معنایش این است که اشخاص مورد نظر، اعمال خلافی که دنباله دار بوده را مرتکب شده و به دنباله‌ی اعمال مورد نظر، غضب الهی بود که دامن‌گیرشان شد. لذا با توجه به این معنا مستمع کلام الله می‌فهمد گناه دارای دنباله است و تصور این که گناه بی اثر باشد نادرست است. وقتی مخاطب دنباله دار بودن گناه را بفهمد از آن پرهیز خواهد کرد. پس ذنب یعنی گناهی که به دنبال خود گناه و عذابی را می‌آورد.

با مقایسه‌ی آیه‌ی ﴿وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ﴾^۲ با «ذروا

۱. عنکبوت، ۴۰.

۲. انعام، ۱۲۰.

ظاهر الذنب و باطنه» مشخص می شود که مراد خداوند از گناهی که اثم است غیر از گناهی است که ذنب است. در فرهنگ های اصیل فرموده اند اثم به معنای هرامری است که سبب کندی حرکت می شود. پس وقتی می فرماید به اثم نزدیک نشوید یعنی به گناه نزدیک نشوید چون گناه حرکت شما را کند و متوقف می کند و این حرکت هم می تواند حرکت انسانی باشد و هم هر حرکتی در امور زندگی. یعنی گناه سبب می شود روند زندگی انسان با اختلال مواجه شود. کوتاه سخن این که برای پی بردن به معنای مورد اراده ی خداوند تعالی لازم است معنای واژه ها را به درستی ادراک نماییم.

کتاب پیش رو تلخیصی از معاجم لغوی اصیل و نابی است که می توان گفت مرجع واژه یابی محققین از اهل تفسیر می باشد.

توضیحات تکمیلی مؤلف با علامت {} مشخص شده و کوشش شده تا با استفاده از ترجمه انگلیسی برخی لغات و تصاویر متناسب، یادگیری و به ذهن سپاری معانی لغات آسان تر شود.

در این کتاب از فرهنگ های مقایس اللغه، مفردات راغب، صحاح، لسان العرب، فرهنگ دهخدا و... استفاده شده است که امیدواریم سبب ارتقاء علمی خوانندگان محترم باشد.

سخن در این مقام بسیار است ولی به جهت تلخیص و معرفی کتاب به همین مقدار اکتفاء می نماییم.

والحمد لله رب العالمین
امین سپیدنامه